

## یا لطیف

# مفهوم نور در قرآن کریم و تجلی نشانه شناسانه آن در طراحی نشانه دانشگاه پیام نور

### چکیده

از واژه نور و مشتقاتش در قرآن ۱۹۴ بار نام برده شده است و دارای معنایی خاص می‌باشد. مقاله‌ی حاضر انعکاس مفهوم نور در قرآن را در طراحی نشانه‌ی دانشگاه پیام نور با دیدگاه نشانه شناختی مورد مطالعه قرار می‌دهد. این پژوهش نمایش معنای درونی در ساختار بیرونی را در نمونه مورد مطالعه خود به کمک تعاریف مرتبط با نور در قرآن کریم تبیین می‌کند و در این راستا به تعریف و بررسی اصطلاحات و مفاهیم بنیادی در نشانه شناسی به ویژه عناصری که در خوانش و تفسیر نشانه به مثابه متن تصویری دخیل است می‌پردازد. مفاهیمی چون تعریف کلی نشانه، انواع نشانه، استعاره و مجاز، دلالت‌های صریح و ضمنی و کارکردهای نشانه؛ که هدف از بیان آنها تحلیل نشانه شناختی مفهوم نور در نشانه‌ی دانشگاه پیام نور است که در فرآیند این نقد برای بیان معنای ضمنی آن نشانه، نور را از منظر حکمای اسلامی مورد بررسی قرار خواهد داد.

واژگان کلیدی: نور در قرآن، نشانه، دانشگاه پیام نور، دلالت صریح و ضمنی، استعاره و مجاز

## مقدمه

«به جرئت می‌توان گفت «نور» عام‌ترین صفت حق (و وجود او) در تمامی ادیان و مذاهب، از مذاهب ابتدایی گرفته تا ادیان پیشرفته و حتی فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست. خورشید، بارزترین نمود خدایی سراسر نور و روشنایی است، اما خورشید تنها نمود نور نیست بلکه ستارگان و ماه نیز نماد نورند و خورشید، بزرگترین جلوه نور.» (بلخاری، ۳۴۱، ۱۳۸۴)

ابن فارس در مورد معنای واژه نور می‌نویسد: «این کلمه از نون و واو و راء ترکیب شده است به معنای روشن کردن و روشنی و اضطراب و قلت ثبات می‌باشد.» (ابن فارس، ۱۳۹۹ ه ق، ج ۵، ۲۹۴) همچنین خلیل در العین نیز همین معنا را ذکر کرده و نور را به معنای ایضاء و روشنی می‌داند. (فراهیدی، ج ۲، ۱۷۴)

نور نماد و نشانه ایی جهان شمول است که کاربرد مظاهر بصری آن در تمامی ادیان و مذاهب الهی نشانگر تجلی مفهوم مافوق زمینی آن است. توجه به مفهوم نشانه‌شناسانه نور را می‌توان در نموده‌های سمبلیک خود در هنرهای تجسمی از قبیل نقاشی، مجسمه‌سازی، معماری و همچنین صورت مفهومی سمبلیک آن را در طراحی نشانه دید.

همچنین نشانه‌شناسی علمی است که به مطالعه‌ی نظام‌های نشانه‌ای در زندگی اجتماعی می‌پردازد. اما نظریه‌های نشانه‌شناختی در زمینه تحلیل آثار هنری و تصویری نیز کارآمد هستند. امروزه نشانه‌شناسی همچون رویکردی در تحلیل متن بصری می‌تواند ما را به گستره‌ی معناهای متن نزدیک کند. در گستره‌ی نظام ارتباطات تصویری، نشانه همانند هویت بصری فرستنده پیام است؛ علامتی که در روند ارتباط با جامعه، موجب شناسایی فرستنده (سازمان/ برنده) برای گیرندگان (مخاطب/ مصرف‌کننده‌گان) می‌شود. نشانه زمانی نشانه‌ی هویت بصری یک سازمان محسوب می‌شود که محتوای آن، مصداق کیستی و چیستی پیام باشد و در فرآیند ارتباط با جامعه بتواند مجموعه معانی ای از ارزش‌ها، اهداف و یا عملکردهای سازمان را برای جامعه خود به قصد تبلیغ، ترغیب و اطلاع‌رسانی تولید کند. در این صورت است که نشانه می‌تواند مشروعیت کسب کند.

## مفهوم نور در قرآن

«نور» در قرآن مجید

واژه نور و مشتقاتش در قرآن ۱۹۴ بار ذکر شده است و در هر مورد دارای معنایی خاص می‌باشد.

واژه نور در قرآن مجید مظهر مبدأ هستی و آفریدگار جهان و هدایت‌گر تکوینی و تشریحی همه عالم است، جهان بدون نور حضرت حق، مفهوم و معنا ندارد و اشیاء متعدد و گوناگون از یکدیگر جدا نمی‌گردند و تشخیص و تمیز پیدا نمی‌کنند. نور سبب جدایی انواع و اجناس از یکدیگر است، در پرتو برکت وجودی نور، هر چیزی در جای خود قرار دارد و به موقع وظیفه و تکلیف خود را انجام می‌دهد که در این امور آسمان‌ها و زمین و هرآنچه وجود دارد در پرتو نورانیتش راه صحیحی را طی می‌کنند.

تکرار واژه عقل یا ذهن و مشتقاتش در قرآن مجید با واژه نور برابری می‌کند و هنگامی که سخن از ذکر نور در

قرآن است، بی‌شک در ابتدا سوره نور و آیه ۳۵ آن به ذهن‌خطور می‌کند که:

«الله نور السماوات و الارض مثل نوره کمشکوة فی‌ها مصباح المصباح فی زجاجه

الزجاجه کان‌ها کوکب دری یوقد من شجره مبارکه زیتونه لا شرقیه و لا غربیه یکاد

زیتها یضیء و لو لم تمسسه نار نور علی نور یهدی الله لنوره من یشاء و یضرب الله الامثال للناس و الله بکل شیء علیم»

(خدا نور آسمان و زمین است. مثل نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی باشد. آن چراغ درون آبگینه‌ای و آن آبگینه چون ستاره‌ای درخشنده از روغن درخت پربرکت زیتون که نه خاوری است و نه باختری، افروخته باشد. روغنش روشنی بخشد هر چند آتش بدان نرسیده باشد. نوری افزون بر نور دیگر، خدا هر کس را که بخواهد بدان نور راه می‌نماید و برای مردم مثل‌ها می‌آورد زیرا بر هر چیزی آگاه است.)

مفهوم نور در جمله «الله نور السموات و الارض...» نزد برخی مفسرین از این قرار است:

۱- آیه‌ی فوق بیانگر این حقیقت است که «خدای تعالی دارای نوری است عمومی که با آن آسمان و زمین نورانی شده و در نتیجه به وسیله آن نور در عالم وجود حقایق ظهور نموده، که ظاهر نبوده و باید هم این چنین باشد چون ظهور هر چیز اگر به وسیله چیز دیگری باشد باید آن وسیله خودش به خودی خود ظاهر باشد، تا دیگران را ظهور دهد و تنها چیزی که در عالم بذات خود ظاهر و برای غیر خود مظهر باشد همان نور است. پس خدای تعالی نوری است که آسمان‌ها و زمین با اشراق او بر آن‌ها ظهور یافته‌اند.» (علامه طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۷، ۱۵)

۲- خدا نور آسمانها و زمین است یعنی هدایت کننده اهل آسمانها و زمین به سوی مصالحشان است (بیضاوی، ۱۴۱۸ ه ق، ج ۳، ۱۰۷)

۳- خدا به وسیله‌ی خورشید و ماه و ستارگان آسمانها و زمین را روشن می‌کند، و یا اینکه خداوند زینت بخش آسمانها به وسیله‌ی فرشتگان و زینت بخش زمین به وسیله‌ی پیامبران و علماء است. (مترجمان، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ۷۳)، (طوسی، ج ۹، ۱۱۳)

۴- خداوند نظم دهنده آسمان و زمین به بهترین شکل است و یا روشن کننده‌ی آنهاست (همان) و این منور کردن یا توسط ملائکه در آسمان و پیامبران در زمین، یا شمس و قمر و ستارگان، یا آسمان توسط شمس و قمر و ستارگان و زمین توسط پیامبران و علماء. (رازی ۱۴۲۰ ه ق، ج ۳، ۳۸۰)

اهمیت آیه نور را آن هنگام در می‌یابیم که می‌بینیم در تاریخ حکمت و عرفان اسلامی، حکمایی چون ابو علی سینا، امام محمد غزالی، شیخ اشراق (سهروردی)، مولانا، ابن عربی، ملاصدرا و ... مراتب عالم را با توجه به این آیه تبیین کرده‌اند.

«ابو علی سینا یکی از نخستین و به عنوان بزرگترین فلاسفه اسلامی در «اشارات» مراتب عقل نظری را با استناد به آیه نور تبیین می‌کند؛ و بدین ترتیب نسبت آشکاری میان عقل و نور ایجاد می‌شود. عقل از این رو که تنها قوه ایصال انسان به حقیقت غایی اوست و نور بدین دلیل که عامل اظهار و ابراز این حقیقت و بلکه خود حقیقت است: الله نور السموات و الارض.» (بلخاری، ۱۳۸۴، ۳۴۵-۳۴۶)

مهمترین حکیم نوری شیخ اشراق است که اساس حکمت او بر نور استوار است. «سهروردی در تبیین سلسله مراتب حقیقت، معتقد به هستی شناسی سنتی بود با این تفاوت که وی چارچوب هستی شناسی ابن سینا را از «وجود» به «نور» تبدیل کرد و همین تغییر بنیادی بود که به وی امکان داد تا شرحی از تعالیم عرفانی و باطنی را ارائه دهد. از نظر

سهروردی طبیعت «نور» امری بدیهی است، زیرا نور چیزی جز ظهور و ظهور چیزی جز واقعیت نور نیست. نور پیوسته هم خود، روشن است و هم غیر را روشن می‌سازد. لذا می‌توان گفت که: نور چیزی است ظاهر بالذات و مُظهرٌ لِلغیر، ظاهر بالذات یعنی در ظهور خود محتاج به غیر نیست، و چنین امری باید امری بسیط بوده باشد. به این ترتیب می‌توان گفت: ظهور چیزی جز نور نیست و چنین امری معرف و ظاهر کننده‌ای نخواهد داشت.» (الف-سهروردی، ۱۳۸۰، ۱۰۶ الی ۱۱۳)

«سهروردی نور را امری ذومراتب می‌داند. او قائل است که ماهیات مختلف، حقیقتی جز نور ندارد و تفاوتشان به شدت و ضعف است. او انواع نور را به صورت یک سلسله مراتب طولی مرتب می‌کند که در رأس آن «نورالانوار» یعنی مصدر تمام نورها واقع است و در پایین این سلسله مراتب، ظلمت یا عدم نور قرار دارد. در میان نورالانوار و ظلمت مطلق، مراتبی از نور با درجات مختلفی از شدت قرار دارند. به عبارت دیگر از نورالانوار، نور دیگری صادر می‌شود که به توسط نور بالاتر خود منور می‌شود و عمل صدور از نوری به نور پایین‌تر ادامه می‌یابد تا به تاریکی برسد. نور بالاتر که مشخصه‌ی بارز آن شدت بیشتر است بر نور پایین سلطه و غلبه دارد و نور پایین عشق و شوق نسبت به مرتبه‌ی بالاتر از خود دارد. این فرایند در کل مراتب نور از نورالانوار تا ظلمت حاکم است. مراتب پایین‌تر دائماً خواهان رسیدن به مراتب بالاتر و یکی شدن با نورالانوارند. همه‌ی موجودات، شوق و اشتیاق به سوی نور و مرتبه‌ی بالا دارند تا میل به ظلمت و مقام نازل و همه‌ی موجودات بالطبع طالب کمالند.» (ب-سهروردی، ۱۳۸۰، ۱۸۲)

بدین سان جریان وجود از سوی وجود مطلق حق، به صورت نور جلوه نموده و هر جا که نشان از وجودی هست، به حقیقت نوری است از انوار تجلی یافته وجود مطلق و مرتبه وجودی همه موجودات بسته به درجه‌ی قرب آنها به نور اعلی و درجه منور بودن آنهاست.

«من نیم جنس شهنشده دور از او

لیک دارم در تجلی نور از او» (مولوی، ۱۳۸۴، ۲۲۷)

## نشانه

«انسان موجودی است که تمایل به درک معنی دارد و به واسطه‌ی این خصیصه می‌توان او را «انسان معنی ساز» (homo significance) نامید و از همین تمایل به درک معنی است که علم نشانه‌شناسی نشأت می‌گیرد زیرا موضوع اصلی در نشانه‌شناسی «معنی سازی» است.» (نرسیسیانس، ۱۳۸۵، ۲۷) «معنی را نمی‌توان جدا از موضوع یعنی جدا از انسانی که آن را تعریف می‌کند و در زندگی روزمره خود مورد استفاده قرار می‌دهد- و همچنین از سیستم فرهنگی که به وجود آورنده‌ی آن است مورد مطالعه قرار داد. ژوستین لوئیز معتقد است که نشانه دارای هیچ نوع موجودیت کالبدی نیست. معنی از درون آن نقش نمی‌گیرد بلکه معنی به آن داده می‌شود.» (همان، ۱۷)

فردینان دوسوسور، زبان شناس سوئیسی و چارلز ساندرس پیرس فیلسوف امریکایی که تقریباً هم عصر بوده اند، بنیانگذاران علم نشانه‌شناسی محسوب می‌شوند.

«سوسور یک الگوی «دو وجهی» یا دو قسمتی از نشانه ارائه می‌کند. از دید او نشانه تشکیل شده است از:

۱. دال (Signifier)، تصور صوتی.

۲. مدلول (signified)، مفهومی که دال به آن دلالت (signification) می‌کند، یا تصور مفهومی. در الگوی سوسور نشانه یک کل است که از اتصال دال به مدلول نتیجه می‌شود. رابطه‌ی بین دال و مدلول «دلالت» نام دارد.» (چندلر، ۱۳۸۷، ۴۳)

«پیرس الگوی خود از نشانه، «نشانه‌شناسی» (Semiotic) و طبقه‌بندی خود از نشانه‌ها را به صورت یک الگوی سه تایی ارائه کرد:

۱. باز نمون یا (Representamen): صورتی که نشانه به خود می‌گیرد. (و الزاماً مادی نیست)

۲. تفسیر (Interpretant): نه تفسیرگر، بلکه معنایی که از نشانه حاصل می‌شود.

۳. موضوع (object): که نشانه به آن ارجاع می‌دهد.» (پیرس، ۱۳۸۱، ۵۲)

اساس طبقه‌بندی‌ای که در ادامه از نشانه (آرم) ذکر خواهد شد، طبقه‌بندی‌ای است که «پیرس» از انواع نشانه ارائه کرده است. دسته‌بندی‌های پیرس، اصل و اساس هر گونه تحلیل در نشانه‌شناسی است. این طبقه‌بندی «منش‌های متفاوت رابطه» بین دال و مدلول را از هم متمایز می‌کند.

### ۱. شمایل

«نشانه‌ای است که موضوع (= مورد ادراک یا مفهوم) خود را بر اساس مشابهت، تصویر می‌کند و از این رهگذر بر امری دلالت می‌کند.» (وولن، ۱۳۶۹، ۱۲۳) «نشانه‌های شمایی دارای ویژگی‌ای است که آن را معنی‌دار می‌کند، حتی اگر موضوع آن اساساً وجود نداشته باشد.» (پیرس، ۱۳۸۱، ۵۶) «در نشانه‌های شمایی رابطه‌ی نشانه و موضوع مبتنی بر تشابه است، یعنی نشانه از برخی جهات (شکل ظاهری، صدا و احساس) مشابه موضوع است، به عبارتی برخی کیفیات موضوع را دارد.» (سجودی، ۱۳۸۷، ۳۱)

### ۲. نمایه

«نشانه یا بازنمونی است که ارجاعش به موضوع، نه به دلیل شباهت و از طریق قیاس است، و نه به دلیل پیوند آن با ویژگی‌های عامی که موضوع آن ممکن است داشته باشد، بلکه به دلیل ارتباط پویایی (و همچنین فضایی) است که از یک سو با موضوع دارد و از سوی دیگر با حواس یا خاطرات شخصی که آن پدیده برای او حکم نشانه را دارد.» (پیرس، ۱۳۸۱، ۵۹) «نمایه نشانه‌ای است بر مبنای پیوستگی وجودی میان خود و «مورد ادراک» خود.» (وولن، ۱۳۶۹، ۱۲۳)

### ۳. نماد

«معادل به نشانه‌ی اختیاری «سوسور» است. همانند سوسور، پیرس از قراردادی سخن می‌گوید که به اتکای آن، نماد نوعی نشانه به شمار می‌آید. نشانه‌ی نمادین نه نیاز به شباهت به موضوعش دارد و نه نیاز به هیچ‌گونه پیوند وجودی با آن. قراردادی است واجد نیروی قانون.» (همان، ۱۲۴) «اما کاربرد سوسور با کاربرد پیرس مطابقت نمی‌کند. نزد پیرس نشانه زبانی یک نماد، به معنای محدود و علمی است. از دید سوسور، نشانه زبانی اختیاری است، حال آنکه به اعتقاد پیرس، یکی از خصایص نماد این است که هرگز کاملاً اختیاری نیست؛ نماد توجیه‌پذیر است، چون شکل اولیه‌ی پیوند طبیعی میان دال و مدلول وجود دارد. به جای نمادِ عدالت، یعنی ترازو، نمی‌توان هیچ نماد دیگری، نظیر ارابه، را جایگزین

کرد. باید میان نقش (علامت تصویری) یا، چنان که پیرس می‌توانست بگوید، تصویر، و مظهر (شیء و یا شکل آن، به مثابه نمودی از یک مفهوم) به وضوح تفاوتی قایل شویم. در تصویر، وجه شمایی غالب است. اما مظهر نشانه‌ای است واجد دوگانگی، تا حدی شمایی است و تا حدی نمادین. مظهرها بی‌ثبات و ناپایدارند؛ ممکن است به صورت نشانه‌های عمدتاً نمادین تحول یابند یا به حد شمایی تقلیل یابند. (همان، ۱۴۵-۱۴۶)

«آرم [نشانه] های نمادین را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. آرم [نشانه] های نمادینی که رابطه‌ی دال و مدلول در آنها قراردادی و «دلبخواهی» است: تصویر این

آرم [نشانه] ها هیچ‌گونه پیوند وجودی با سازمان، «فرستنده‌ی» خود ندارند.

۲. آرم [نشانه] های نمادینی که تصاویر آن‌ها در همخوانی با برنامه‌ها، ارزش‌ها و یا تولیدات سازمان، توجیه پذیر

است: این آرم [نشانه] ها با گزینش تصویری از یک «شیء» یا «شکلی» از آن (فیگوراتیو یا غیر فیگوراتیو)،

به مثابه‌ی نمودی از یک ایده یا مفهوم (و یا یک محصول) رابطه‌ای انگیزنده با محتوای پیام

دارند. (پهلوان، ۱۳۹۰، ۱۲۸-۱۲۹)

«این که نشانه‌ای نمادین است، شمایی است یا نمایه‌ای در اصل به شیوه‌ی کاربرد آن نشانه وابسته است. یک دال

ممکن است در بافتی در منش شمایی به کارگرفته شود، و در بافت دیگری در منش نمادین. نشانه‌ها را نمی‌توان بدون

توجه به بافت‌های خاص کاربردشان در سه حالت شمایی، نمایه‌ای و نمادین طبقه‌بندی کرد.» (سجودی، ۱۳۸۷، ۳۹)

## دلالت صریح و دلالت ضمنی

«دلالت پدیداری است انسانی. پیامی از ماشین به ماشین (رایانه‌ای به رایانه‌ی دیگر) دلالت گون نیست. انتقال

اطلاعات یعنی انتقال معنا یا معنایی به دقت معین. فقط در مواردی که گیرنده‌ی پیام انسان باشد، معنی پیام را فراتر از

آن «معنا یا معنایی به دقت معین» تأویل کند، می‌توان از دلالت پیام یاد کرد.» (احمدی، ۱۳۷۵، ۵۴) «در معنای تحت

اللفظی یا معنای صریح ما با مدلولی روبرو هستیم که به صورت عینی و چنان که هست به تصویر درآمده است حال آن

که دلالت‌های ضمنی بیانگر ارزش‌های ذهنی هستند که به واسطه صورت و کارکرد نشانه به آن منسوب می‌شوند.

دلالت صریح و دلالت ضمنی دو شکل بنیادین متضاد دلالت هستند.» (گیرو، ۱۳۸۰، ۴۷)

## استعاره و مجاز

«استعاره وجود یک شباهت یا همگونی «انتقال پذیر» میان یک موجود (مثلاً حرکت اتومبیل من) و موجودی

دیگر که می‌تواند جانشین آن شود (حرکت اسب) پیشنهاد می‌کند. در مجاز مرسل، اساس این جایگزینی بیشتر توالی است

تا مشابهت. موجودی که جانشین می‌شود به این دلیل انتخاب شده که «همجوار» یا «پیوسته‌ی» موجودی است که به

جایش می‌نشیند و در زنجیره به «دنبال آن» می‌آید.» (هاوکس، ۱۳۷۷، ۱۱۴) «بنابراین یا کوبسن معتقد است که کلیه

نشانه‌های زبانی به مدد دو لایه گزینش و ترکیب شکل می‌گیرند. فرآیند ترکیبی (یا همنشینی) در مجاورت تجلی می‌یابد

و ابزار آن مجاز مرسل است و فرآیند گزینشی (یا جانشینی) در مشابهت تجلی می‌کند و ابزار آن استعاره است.» (یاکوبسن، ۱۳۸۰، ۹۷)

### نقش نشانه در فرآیند ارتباط

رومن یاکوبسن، زبان شناس روسی تبار آمریکایی که در ادبیات انتقادی ارتباطی، به نظرهای وی بسیار استناد می‌شود، از بنیانگذاران مکتب پراگ در عرصه‌ی زبان‌شناسی است. وی زبان را در قالب نقش‌های متفاوتش بررسی می‌کند و به توصیف جایگاه نقش‌های متفاوت زبان می‌پردازد. «هر چند نظریه‌ی یاکوبسن به گونه‌ای خاص در مورد ارتباط-های زبان‌شناسی است، اما به سادگی می‌توان آن را در گستره‌ی نظام‌های نشانه‌شناسی غیر زبانی و از آن میان نشانه‌های دیداری به کار گرفت.» (احمدی، ۱۳۷۵، ۱۳۶) شش نوع کارکرد مورد نظر «یاکوبسن» عبارتند از: کارکرد ارجاعی، عاطفی، ترغیبی، هنری یا زیبایی‌شناختی، همدلی و کارکرد فرازبانی.

۱. کارکرد سخن‌گشا (همدلی) (Fonction phatique)

«هدف این کارکرد برقراری، حفظ یا توقف ارتباط است. بنابراین نخستین کارکردی که تضمین‌کننده‌ی ارتباط است، کارکرد سخن‌گشا است.» (پهلوان، ۹۴، ۱۳۹۰)

۲. کارکرد بیانگر (Fonction expressive)

«این کارکرد روابط میان پیام و فرستنده را رقم می‌زند و اندیشه‌هایی را درباب ماهیت مرجع پیام بیان می‌کند و باز نمود ارزش‌ها، اندیشه‌ها و اهداف سازمان است.» (همان، ۹۶)

۳. کارکرد ارجاعی (مصدیقی) (Fonction reference)

«این کارکرد بازنمایی توصیف‌فرآورده یا محصول تولید شده است و اطلاعات حقیقی، عینی، قابل مشاهده و اثبات پذیر در باب مرجع پیام.» (همان، ۹۸)

۴. کارکرد تأثیرگذار (Fonction impressive)

«این کارکرد روابط میان پیام و گیرنده را مشخص می‌کند. از آنجا که هدف هر گونه ارتباط، ایجاد واکنش نزد گیرنده است، بنابراین می‌تواند عقل گیرنده یا احساس او را تحت تأثیر خود قرار دهد. کارکرد تأثیرگذار، قصد دارد که گیرنده‌ی پیام را با خود شریک سازد. پیام این آرم [نشانه]ها ساده، بدون ابهام و قابل شناخت است.» (همان، ۱۰۰)

۵. کارکرد هنری (Fonction esthetique)

«یاکوبسن این کارکرد را همچون رابطه‌ی میان پیام و خودش تعریف می‌کند. نمونه‌ی برجسته‌ی کارکرد زیباشناختی در آثار هنری دیده می‌شود. جایی که مرجع پیام خود پیام است، و این پیام دیگر ابزار ارتباط نیست، بلکه موضوع آن است.» (گیرو، ۲۲، ۱۳۸۰)

۶. کارکرد فرازبانی (Fonction metline)

«کارکرد فرازبانی به رمزی بر می‌گردد که پیام با آن بیان شده است. هدف این کارکرد روشن کردن معنای نشانه‌هایی است که امکان دارد گیرنده‌ی پیام آنها را درک نکند. یاکوبسن کارکرد یک پیام کلامی را که به رمزگان

مرتبط می‌شود فرازبانی می‌خواند و به پیروی از او می‌توان کارکرد پیام یا تصویری را که به رمزگان تصویری مرتبط می‌شود فراتصویری نامید.» (احمدی، ۱۳۷۵، ۱۴۱)

### دانشگاه پیام نور

«تحصیل در دانشگاه پیام نور مبتنی بر نظام آموزشی باز و از راه دور است که برای اولین بار در کشورهایمانند استرالیا و برخی کشورهای اروپایی ابداع گردید. دانشگاه پیام نور که جزو شش دانشگاه اول کارآمد و با کیفیت در کشور طبقه‌بندی شده است، با توجه به افزایش روزافزون داوطلبان ورود به دانشگاه، فضای رقابتی شدید حاکم بر کنکور، ظرفیت محدود پذیرش دانشجو و نیاز مبرم جامعه به دانش‌آموختگان، برای اولین بار طرح پذیرش دانشجو بدون کنکور را براساس روش‌های نوین آموزش از راه دور پایه‌ریزی نمود.» (http://www.tpnu.ac.ir, 2012.23.11, 07:20)

«دانشگاه پیام‌نور، دانشگاهی است با هویت ایرانی-اسلامی که برای ایفای نقش و مسئولیت خود در جهت تحکیم جایگاه علمی و پژوهشی در میان دانشگاه‌های باز و آموزش از راه دور دنیا به گسترش رشد و تعالی تقوی و فضائل انسانی، ارتقاء علمی و پژوهشی، تعمیق جنبش نرم‌افزاری، امیدبخشیدن و گسترش دامنه دانش، یادگیری در همه جا، همه وقت و برای همه در محیطی ایمن و مبتنی بر عدالت در راستای سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران در سطح ملی و جهانی اهتمام می‌ورزد.»

### نتیجه‌گیری



طراحی نشانه دانشگاه پیام نور شامل لفظ جلاله الله است به همراه شعاع‌هایی که هم تداعی کننده انتشار نوری هستند که بصورت مدور طراحی شده و به کل نشانه ظاهر خورشید داده است و هم از زاویه ایی گسترش و نشر علم را رقم می‌زنند.



یکی از مهم ترین واژه ها در ادیان مختلف توحیدی به ویژه دین مبین اسلام واژه الله است. در قرآن مجید به قلم و آنچه می نویسد سوگند یاد شده است. "ن والقلم و ما یسطرون" (سوره قلم، آیه ۱) این نکته برای تقدس نگارش و واژگانی که با هنر خوشنویسی ثبت می شوند- در نگاه پیروان این دین آسمانی- کافی است. به همین نسبت کلمه جلاله الله در هنر خوشنویسی بار معنایی تقدسی را همراه با تجلی زیبایی شناسانه و تعلق قلبی هنرمند مومن توأمان در خود متجلی می کند. در حقیقت هنر خوشنویسی در نگارش جلوه های مختلف لفظ جلاله الله وامدار مفهوم آسمانی و الهی این واژه است. و مصداق کامل " شرف المكان بالمکین" است در حوزه تجلی مفهوم مقدس در بستر هنر.

پس از تأمل و تحقیق در باب نور از منظر حکمای اسلامی نیز پی بردیم که طراحی این نشانه هم خوانی کاملی با مبداء آفرینش و در ادامه با نام دانشگاه و اهداف آن دارد.

همچنین با بررسی کارکردهای صریح و ضمنی نشانه فوق می توان چنین نتیجه گیری کرد که این نشانه دارای **معانی ضمنی** کسب حقیقت، علم و دانش از سرمشء و مبداء الهی خود است، مبدائی که برای رسیدن به درجات کمال و قرب الهی غایت تصور هر انسان است؛ و همچنین توسعه و تعمیق آگاهی دینی، تبیین و استقرار ارزشهای ایرانی- اسلامی در راستای آراسته شدن دانشجویان به فضایل اخلاقی می باشد.

نشانه دانشگاه پیام نور به صورت **تجریدی** طراحی شده و یک نشانه **نمایه ای**، **نمادین** است و نور در این نشانه، به مثابه ی نمودی از یک مفهوم، رابطه ای **انگیخته** با محتوای پیام دارد. گفتمان اصلی فرستنده پیام در قالب تصویری با فرآیند گزینش مبتنی بر مجاورت و از روی محور همنشینی به صورت **مجازی** تدوین شده است. تصویر این نشانه باز نمود ارزش ها، اندیشه ها و اهداف دانشگاه است بنابراین دارای کارکرد **بیانگر** است همچنین با ایجاد رمز در شکلی هنرمندانه دارای کارکردهای **هنری** و **فرازبانی** نیز است.

## منابع:

۱. قران مجید
۲. ابن فارس، ابو الحسین احمد، (۱۳۹۹ ه ق). معجم مقاییس اللغة، دار الفكر، ج ۵.
۳. احمدی، بابک (۱۳۷۵). از نشانه شناسی تصویری تا متن، تهران: نشر مرکز.
۴. بلخاری، حسن (۱۳۸۸). مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، تهران: سوره مهر.
۵. بیضاوی، عبد الله بن عمر، (۱۴۱۸ ه ق) أنوار التنزیل و اسرار التأویل، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۳.
۶. پیرس، چارلز ساندرس (۱۳۸۱). منطق به مثابه‌ی نشانه شناسی، فرزانه سجودی (مترجم)، در نیمسالانه‌ی زیباشناخت: شماره ۶.
۷. پهلوان، فهیمه (۱۳۹۰). ارتباط تصویری از چشم انداز نشانه شناسی، تهران، دانشگاه هنر.
۸. چندلر، دانیل (۱۳۸۶). مبانی نشانه شناسی، مهدی پارسا (مترجم)، تهران: انتشارات سوره مهر.
۹. حکیم آرا، محمد علی (۱۳۸۴). ارتباطات متقاعدگرانه و تبلیغ، تهران: انتشارات سمت.
۱۰. سجودی، فرزانه (۱۳۸۷). نشانه شناسی کاربردی، تهران: نشر قصه.
۱۱. سهروردی، شهاب الدین، (۱۳۸۰). حکمه الاشراف، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، تصحیح و مقدمه هانری کرین، ج ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (الف)
۱۲. سهروردی، شهاب الدین، (۱۳۸۰). الواح عمادی، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، تصحیح و تحشیه و مقدمه از سید حسین نصر، ج ۳، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (ب)
۱۳. علامه طباطبایی، (۱۳۶۶). تفسیر المیزان، هیئت مترجمان (مترجم)، تهران: رجا.
۱۴. فراهیدی، ابی عبد الرحمن الخلیل، العین، دار و مکتبه الهلال، ج ۲، ص ۱۷۴.
۱۵. فخر الدین رازی، ابو عبد الله محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ه ق) مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲۳.
۱۶. گیرو، پی‌یر (۱۳۸۰). نشانه شناسی، محمد نبوی (مترجم)، تهران: نشر آگه.
۱۷. مترجمان، (۱۳۶۰) ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات فراهانی، تهران، ج ۱۱، ص ۷۳ و نیز طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا، ج ۹، ص ۱۱۳
۱۸. مولوی، مولانا جلال الدین محمد (۱۳۸۰). کلیات شمس تبریزی، مطابق با نسخه تصحیح شده استاد بدیع الزمان فروزان فر، تهران: پیمان.
۱۹. نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۸۵). «انسان، نشانه، فرهنگ»، تهران: نشر افکار.
۲۰. وولن، پیتر (۱۳۶۹). نشانه‌ها معنا در سینما، عبدالله تربیت و بهمن طاهری (مترجمان)، تهران: انتشارات سروش.
۲۱. هاوکس، ترنس (۱۳۷۷). استعاره، فرزانه طاهری (مترجم)، تهران: نشر مرکز.
۲۲. یاکوبسن، رومن (۱۳۸۰). «قطب‌های استعاره و مجاز»، کورش صفوی (مترجم)، در ساختگرایی و پساساختگرایی و مطالعات ادبی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
۲۳. <http://www.tpnu.ac.ir>
۲۴. <http://www.pnu.ac.ir/portal>